

## اصلاحات قضایی امیرکبیر

هادی خوش‌افتخار \*

### اشاره

در رابطه با امیرکبیر و اقدامات اصلاحی وی مطالب زیادی نوشته شده است. امیرکبیر به سرعت و با تعجیل اقداماتی اصلاحی در زمینه‌های مختلف به اجرا گذاشت. اقداماتی که وی با تمام وجود اجرای آنها را در جامعه آن روز ایران احساس کرده بود. در مقابل این برنامه‌ها واکنش‌هایی صورت گرفت که قتل وی نتیجه آن بود. کوشش امیرکبیر در اصلاح امور قضایی ایران یکی از مواردی است که لازم به نظر رسید پژوهش مستقلی درباره آن صورت پذیرد. در این پژوهش کوشش گردیده تا ریشه‌های فکری و الگوی امیرکبیر در انجام اصلاحات مشخص گردیده و سپس به تلاش‌های وی در اصلاح امور قضایی پرداخته شود.

میرزا تقی خان امیرنظام در شب شنبه ۲۲ ذی‌القعدة ۱۲۶۴هـ/ق / ۱۸۴۸م صدارت یافت.<sup>۱</sup> پادشاهی ناصرالدین‌شاه و انتصاب میرزاتقی خان به صدارت، هم زمان با انقلاب‌هایی سال ۱۸۴۸م در اروپا بود. سابقه خدمت دیوانی میرزاتقی خان به اواخر دوره فتحعلی شاه می‌رسد. وی در دوره محمدشاه وظایفی را عهده‌دار و سفرهایی به کشورهای خارجی، چون روسیه و عثمانی انجام داد و چند سال به‌عنوان سفیر فوق‌العاده ایران در عثمانی به حل و فصل مناقشات مرزی مشغول بود.<sup>۲</sup> که منجر به عقد عهدنامه آرزنه الروم (۱) گشت.

میرزاتقی خان با تیل به مقام صدارت به سرعت اقداماتی اصلاحی در خصوص امور اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، علمی و... انجام داد. وی که از پایین‌ترین درجات به مقام اعلی رسیده بود،

\* کارشناس ارشد تاریخ، سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران

۱- هدایت، رضاقلی: *تاریخ روضه الصفای ناصری*، تصحیح و تحشیه، جمشید کیان‌فر، ۱۵ج، چاپ اول، انتشارات

اساطیر، تهران، ۱۳۸۰، ج ۱۵، ص ۸۴۰۶.

۲- درخصوص اقدامات امیرکبیر در این زمینه، ن. ک. شمیع، علی‌اصغر، *ایران در دوره سلطنت قاجار*، چاپ

سوم، انتشارات مدبر، تهران، ۱۳۷۸، صص ۹-۲۰۸.

تمام معایب و مفساد درونی دستگاه قجران را به چشم دیده و لمس نموده و چیزی از نگاه تیزبین وی مخفی نمانده بود. اقدامات و اصلاحاتی که وی انجام داد، در جامعه آن روز ایران یک نوآوری محسوب می‌شد و این تحولات، هم برخی از صاحب منصبان را خوش نیامد و هم واکنش‌هایی را در بدنه‌ی جامعه، حتی طبقات فرودست که تاب تحمل آن اقدامات را نداشتند، ایجاد نمود.

میرزاتقی خان از سواد کافی بهره‌ای نداشت. اقدامات وی تلاشی اساسی در راستای تبدیل جامعه واپس مانده قاجاری به جامعه‌ای پیشرفته قلمداد می‌شد و این درست همزمان با انقلابهایی در اروپا بود. امیرکبیر چگونه به نیازهای جامعه پی برد؟ آیا خود به تنهایی به این مهم دست یافت و یا مشاورانی او را در این امر یاری می‌دادند؟

دکتر فریدون آدمیت از دفتری به نام «کتابچه‌ی خیالات اتابکی»<sup>۱</sup> سخن گفته‌است که میرزا تقی خان نظرات خود را راجع به معایب و شیوه اصلاح آنها، در آن درج کرده بود. آقای آدمیت نمی‌گوید که این کتابچه را کجا دیده و در کجا نگهداری می‌شود. ضمن اینکه جز چند کلمه، توضیحی دیگر راجع به آن ارائه نمی‌دهد.

با فرض بر اینکه این کتابچه وجود داشته، به نظر می‌رسد امیرکبیر نتیجه‌ی مشاهدات خود در سفر به روسیه و اقدامات انجام شده در «جنشیش تنظیمات» را در آن درج، و براساس نیازهای کشور و واقعیت‌های موجود در جامعه که خود تشخیص داده بود، خیال عملی کردن آنها را داشته است.

۱- هنگامیکه امیرکبیر به فین کاشان فرستاده شد، جمعی به‌عنوان محافظ وی گماشته شدند آنان هنگامیکه امیر را می‌دیدند یا فریاد می‌گفتند: وقتی که وزیر بودی از گرسنگی ما را می‌کشتی و حالا که معزول شدی باید محض محافظت تو از سرما تلف شویم. در این خصوص ن. ک، اقبال، عباس: *میرزاتقی خان امیرکبیر*، به کوشش ایرج افشار، چاپ اول، انتشارات توس، تهران، ۱۳۴۰، ص ۳۳۱.

۲- آدمیت، فریدون: *امیرکبیر و ایران*، چاپ هفتم، انتشارات خوارزمی، تهران، ۱۳۶۲، ص ۳۱۸.

در صورت عدم وجود این کتابچه، باز هم میرزا تقی خان بدون الگو برداری و مطالعه نمی توانست طرحی را ارائه دهد. به نظر می‌رسد دلایلی بتوان ارائه داد که این «کتابچه» وجود داشته و اقدامات امیرکبیر الگو گرفته از «جنبش تنظیمات» بوده است.

به هنگام مأموریت و اقامت سه سال و چند ماهه میرزاتقی خان در عثمانی، حرکتی به نام جنبش دوره تنظیمات (۲) در حال آغاز شدن بود.<sup>۱</sup> جنبش تنظیمات از سال ۱۲۵۵هـ.ق / ۴-۱۸۳۹م آغاز شد و انجام آن را رشید پاشا به عهده داشت. در دوره سلطنت سلطان عبدالمجید، با صدارت رشید پاشا جنبشی آغاز گردید که صدور فرمان «خط شریف گلخانه» در شعبان سال ۱۲۵۵هـ.ق / ۴-۱۸۳۹م نقطه عطفی برای آن به حساب می‌آید و در ادامه آن، دو دستخط همایون، «خط همایون» در محرم ۱۲۵۶هـ.ق / ۱۸۴۰م و «خط همایون ثانی» در محرم ۱۲۶۱هـ.ق / ۱۸۴۵م مکمل اقدامات اولیه گردیدند. خط شریف، اصول امنیت جانی و مالی را شامل می‌شد که موجب تولد دو بنیاد تازه یا به نامهای «دارالشرایع باب عالی» و «مجلس والای احکام عدلیه» گردید.<sup>۲</sup>

بعد از برکناری و قتل امیرکبیر میرزا آقاخان نوری به صدارت رسید. ناصرالدین شاه در سال ۱۲۷۵هـ.ق / ۹-۱۸۵۸م میرزا آقاخان نوری را خلع و میرزا جعفرخان مشیرالدوله (۳) را به جای وی منصوب کرد و بلافاصله فرمان تأسیس وزارتخانه‌ها را در ایران صادر و به اجرا گذاشت.<sup>۳</sup> عملی که اظهارنظرهای مختلفی درباره آن ارائه شده است. گروهی آن را نتیجه تشویق‌ها و

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

۱- همان.

۲- همان، ص ۱۸۳.

۳- روزنامه وقایع اتفاقیه، پنجشنبه سلخ شهر محرم الحرام سنه ۱۲۷۵هـ.ق، نمره ۹۷۳، صص ۲-۳ و درمورد انتصاب میرزاجعفرخان مشیرالدوله ن.ک، اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان: مرآة البلدان، با تصحیحات و حواشی و فهارس، به کوشش عبدالحسین نوایی و میرهاشم محدث، ۴ج، چاپ اول، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۶۷، ج ۲، صص ۱۴-۱۳۱۳.

راهنمایی‌های میرزا جعفرخان مشیرالدوله<sup>۱</sup> و گروهی دیگر نتیجه‌ی سفر به فرنگ ناصرالدین شاه و تأثیر از پیشرفت‌ها و الگوبرداری از آنان دانسته‌اند.

وجود وزارت‌خانه‌ها در ایران به دوره فتحعلی شاه باز می‌گردد<sup>۲</sup> با این تفاوت که تعداد وزارت‌خانه‌ها از چهار به شش افزایش پیدا کرد. این عمل از سوی ناصرالدین شاه یک نوآوری محسوب نمی‌گردد.

کسانی که تأسیس وزارت‌خانه‌ها را نتیجه‌ی تشویق‌ها و راهنمایی‌های میرزا جعفرخان مشیرالدوله دانسته‌اند، برای نظریه‌ی خود سند و مدرکی ارائه نمی‌دهند و گروهی که فرمان تأسیس وزارت‌خانه‌ها را نتیجه سفر به فرنگ و تأثیر پیشرفت‌های آنجا و الگوبرداری ناصرالدین شاه از آنان قلمداد کرده‌اند، این نکته را نادیده گرفته‌اند که اولین سفر ناصرالدین شاه به فرنگ ۱۵ سال بعد از این اقدامات بوده است. این اشتباه فاحش، مبنای بیشترین تجزیه و تحلیل‌ها درباره‌ی شروع و منشاء اقدامات اصلاحی و اداری در ایران می‌باشد.

نکته مهم قابل بررسی، میزان تأثیر امیرکبیر از جنبش تنظیمات، وجود کتابچه خیالات اتابکی و ایجاد وزارت عدلیه می‌باشد. در اینجا بین خلع میرزا آقاخان نوری از صدارت، جنبش تنظیمات، کتابچه‌ی خیالات اتابکی و فرمان تأسیس وزارت‌خانه‌ها توسط ناصرالدین شاه، یک رابطه می‌توان برقرار کرد. تأسیس وزارت عدلیه کلید اصلی فرضیه محسوب می‌گردد.

دکتر آدمیت می‌گوید کتابچه‌ی خیالات اتابکی بعد از قتل امیر در کاشان به دست یکی از غفاری‌ها افتاد و میرزا آقاخان نوری آن را در ازای سیصد تومان موجب و پانصد تومان انعام از وی خرید.<sup>۳</sup>

این فرضیه را می‌توان اضافه کرد که ناصرالدین شاه به نوعی به این کتابچه دسترسی پیدا کرده و پس از مطالعه و وقوف به مطالب آن، درصدد اجرای آنها برآمد. یکی از نتایج جنبش

۱- خان محمدی، علی اکبر: نظری به گزارش‌های صندوق عدالت در عهد ناصری، فصلنامه گنجینه اسناد،

سال هفتم، دفتر سوم و چهارم، پاییز و زمستان ۱۳۷۶، ص ۱۰.

۲- هدایت، رضاقلی: همان، ج ۱۳، صص ۷۵۵۸-۹.

۳- آدمیت، فریدون: همان، ص ۲۱۹.

تنظیمات ایجاد «مجلس والای احکام عدلیه» بوده است و یکی از شش وزارتخانه تأسیس شده از سوی ناصرالدین شاه «وزارت عدلیه» بود. به نظر می‌رسد امیرکبیر این واژه و اصطلاح را در کتابچه خیالات اتابکی نوشته و با اجرای آن توسط ناصرالدین شاه وارد واژگان فارسی شد. به هنگام صدارت امیرکبیر، در دستگاه قضایی، جا و مکان مشخص و قوانین مدونی برای رسیدگی به امور عارضین و دادخواهان وجود نداشت. محاکم قضایی به صورت دوگانه عرفی و شرعی بود. در مرکز شاه و روحانیون عالی مرتبه و بعضاً صاحب منصبان به حل و فصل دعاوی پرداخته و در روستاها، روحانی محل و کدخدا به این امور رسیدگی می‌نمودند. در محاکم شرعی، روحانیون با تکیه بر قوانین فقهی و اسلامی حل و فصل امور قضایی را بر عهده داشتند که گاه احکام صادره از آنان با یکدیگر هماهنگ نبود.

امیرکبیر یکی دیگر از نیازهای جامعه ایران عصر قاجاری را اصلاحات در دستگاه عدالت تشخیص داده بود. علاوه بر دوگانگی محاکم قضایی، شرع و عرف، مسایل دیگری نیز در حوزه قضایی وجود داشتند که به صورت معضلی برای جامعه تبدیل شده بودند. یکی از آنان «بست‌نشینی» و دومی «تعدد محاکم شرعی و صدور احکام ناسخ و منسوخ» بودند. امیرکبیر برای حل این مشکلات در اولین گام بست‌نشینی را در سال ۱۲۶۶هـ.ق / ۵۰-۱۸۴۹م، لغو نمود.<sup>۱</sup> سپس به چاره‌جویی درخصوص حل مسأله تعدد محاکم شرعی پرداخت. ریاست محاکم شرعی به عهده روحانیون بود و احکام صادره از سوی ایشان برای حکومت لازم الاجرا، اما گاهی در یک مورد، احکام متفاوتی از سوی آنان صادر می‌گردید. امیر به منظور پایان بخشیدن به این احکام متعدد، اقدام به تأسیس «محکمه خاص شرع» در تهران و شهرهای بزرگ کرد.<sup>۲</sup>

وی کار محاکم شرعی را به یکی از روحانیون برجسته زمان خویش محول و دیگران را از مداخله در امور قضایی معاف داشت. یکی از روحانیونی که امیر برای رسیدگی به امور شرعی انتخاب کرده بود، شیخ ملاعبدالرحیم بروجردی بود که از زمان «محمدشاه» مقیم تهران بوده است ولی هنگامیکه از احقاق حق یک شاکی به سبب اینکه شخصی که از وی شکایت شده، از

۱- استقلال، حسین: *چهل سال در دادگستری*، چاپ اول، چاپخانه موسوی، شیراز، ۱۳۵۲، ص ۲۸۳.

۲- اجلالی، فرزاد: *بنیان حکومت قاجار*، چاپ اول، نشر نی، تهران، ۱۳۳۳، ص ۸۴.

نزدیکان و ملازمان امیر بوده است، کوتاهی کرد، امیر ناراحت شده و دیگر با شیخ سخن نگفت و از آن پس محاکمات را به محضر «شیخ عبدالحسین طهرانی شیخ العراقین»<sup>(۴)</sup> ارجاع نموده و او را مشاور در امور خود قرار داد.<sup>۱</sup>

اگرچه این عمل امیر را اولین قدم وی در راه نظارت بر محاکم شرع و محدود ساختن قدرت آنها، دانسته‌اند،<sup>۲</sup> اما به نظر می‌رسد این عمل هیچ ارتباطی با محدود ساختن محاکم شرعی ندارد بلکه تنها آن شخصی را که در اجرای عدالت، روابط را در نظر گرفته و از احقاق حق مظلومی چشم‌پوشی نموده بود، معزول کرد و از ارجاع احکام شرعی به وی جلوگیری نمود. امیرکبیر روحانی ارشد دیگری را به جای شخص مزبور انتخاب نمود و بعد از آن هم برای هریک از ولایات یکی از علمای محلی را به‌عنوان محضر شرع رسمی انتخاب کرده و از ارجاع دعاوی به محاضر متعدد جلوگیری به عمل آورد.<sup>۳</sup>

از این رو این اقدام امیر نه برای جلوگیری از قدرت محاکم شرع بلکه برای اجرای عدالت و ممانعت از صدور احکام ناسخ و منسوخ بود که افراد شناخته شده و محاکم مشخصی را برای اجرای احکام شرعی انتخاب نمود. در راستای این اقدامات، امیر، برخوردهایی نیز با این محاکم داشت، درگیری وی با ابوالقاسم امام جمعه (۵) یکی از آنها می‌باشد. هنگامی که یک حاجی مبلغ سه هزار تومان بدهکار بوده و برای فرار از پرداخت بدهی خود ورقه‌ی ورشکستگی درست کرده و به مهر و امضای ابوالقاسم امام جمعه رسانیده بود، امیر با شکایت طلبکاران مواجه شد که پس از رسیدگی مجدد اوراق مالی آن شخص، پی به جعل آن اسناد برد. معزی واکنش امیر را اینگونه توضیح می‌دهد:

«در ابتدا حاجی را احضار کرده و خطاب به او می‌گویند وجود رعیتی مانند تو که بلا جهت ورشکسته و بدون سبب مالیه خود و مردم را تلف کرده است، برای

۱- معزی، شیخ المشایخ امیر: رساله نواذر الامیر، ضمیمه نامه‌های امیرکبیر، به کوشش سیدعلی آل داوود، چاپ

اول، نشر تاریخ ایران، تهران، ۱۳۷۱، صص ۱۶-۳۱۵.

۲- استقلال حسین: همان، ص ۲۷۸.

۳- همان.

دولت و ملت مضر و موجب زحمت است، میرغضبی را طلب کرده، فرمود این حاجی را به سبزه میدان ببر و پای قاپوق [میدان اعدام] از زندگی جهان فانی راحتش کن»<sup>۱</sup>

این کار با دخالت نزدیکان وی و پرداخت بدهکاری او توسط اطرافیان، خاتمه یافت، اما از طرفی امیر اسناد دارایی حاجی را با ورقه ی ورشکستگی به شخصی داد و گفت:

«حاجی را با خود به منزل آقای امام جمعه ببر و عرض کن با این کار شما حق افراد زیادی پایمال گردیده و البته خواهند فرمود که «پیش من اشتباه کاری نموده‌اند» و می‌گویم در محضری که بشود اشتباه کاری نمود، لیاقت محاکمه نخواهد داشت. علیهذا ایشان به جز نماز جماعت که در مسجد سلطانی می‌خوانند من بعد حق هیچ قسم مداخله در محاکمات و فصل خصوم نخواهند داشت و به ایشان عرض کنید که احترام خاتم (۶) خویش را نگاه دارند و وارد اینگونه مطالب نشوند.»<sup>۲</sup>

این درگیری و تعارض با امام جمعه موردی بوده و ربطی به جلوگیری از دخالت روحانیون در محاکم شرعی نداشت. امیر با حفظ بنیان‌های مذهبی تنها به آن دسته از روحانیونی که در جهت تضعیف ساختار دولت و به‌خصوص اصلاحات موردنظر وی اخلاص ایجاد می‌کردند، روی خوش نشان نمی‌داد.<sup>۳</sup> نمونه دیگر برخورد وی با اینگونه محاکم در گزارش روزنامه وقایع اتفاقیه آمده است:

«شخص ملایی شهادت ناحق در حق مدعی داد و رشوت گرفته بود و بعد از آن در حق مدعی علیه هم در بطلان همان ادعا شهادت داده بوده است. امنای دیوانخانه

۱- معزی، شیخ المشایخ: همان، صص ۱۹-۳۱۸.

۲- همان.

۳- اجلالی، فرزام: همان، ص ۸۳.

مبارکه این گزارش را معلوم کرده، آخوند مزبور را تنبیه نمودند و بعد عمامه از سرش برداشته و کلاه بر سرش گذاشتند که شخص غیر امین در سلک امنای دین منسلک نباشد.<sup>۱</sup>

امیرکبیر در کار قضاوت دخالت کرده و در مواردی شخصاً این عمل را انجام می داد. در همین راستا در مواردی که به نظر وی ساده و قابل حل می رسید، مستقلاً دخالت و صدور رأی می نمود. صدور احکامی به وی نسبت داده شده<sup>۲</sup> که انجام آنها بعید به نظر می رسد اما هیچ دلیل و سندی نیز برای رد آن اعمال نسبت داده شده به او، به دست نیامد. شاید بتوان دلیلی برای اجرا و انجام اینگونه احکام در جامعه آنروزی و نیز شخصیت امیر پیدا کرد. جامعه آنروز، یک جامعه استبدادی و فاقد نهادهای مدنی تعریف شده بود و از طرفی هیچ قانون مدون و جامعی نیز برای رسیدگی به امور قضایی وجود نداشت و از سویی دیگر شاید بتوان گفت امیر نیز خود شخصیتی مستبد بود که به منظور اقدامات مدنظر خویش چاره‌ای جز استبداد رأی نداشته است و یا جامعه آنروزی و اطرافیان و کارگزاران او زبانی جز این را نمی فهمیدند چه اینکه این گونه اقدامات خشونت‌بار یکی از تدابیر امنیتی بود و اگر حاکمی در بدو شروع به کار خود چند نفر را به بهانه‌های مختلف به دار نمی آویخت، در اذهان مردم «بی‌عرضه» تلقی می شد.<sup>۳</sup> گفته شده است که در دوره ی امیرکبیر، فشار استبداد و جاسوسی به درجه‌ای زیاد بود که یک نفر دهاتی در خانه خود جرأت نمی کرد نام امیرکبیر را به زبان بیاورد.<sup>۴</sup>

پوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
سال مایع علوم انسانی

- ۱- روزنامه وقایع اتفاقیه: پنجشنبه هفتم شهر ذی القعدة الحرام سنه ۱۲۶۷، نمره ۳۱، ص ۲.
- ۲- درمورد قضاوت‌های امیر، ن. ک. معزی، شیخ المشایخ: همان، صص ۴-۲۶۳ و نیز ن. ک. آل داوود، سیدعلی: اسناد و نامه‌های امیرکبیر، چاپ اول، انتشارات سازمان اسناد ملی ایران، تهران، ۱۳۷۹، صص ۵-۲۶۱.
- ۳- پولاک، یاکوب، ادوارد: ایران و ایرانیان (سفرنامه)، ترجمه کیکاوس جهاننداری، چاپ دوم، انتشارات خوارزمی، تهران، ۱۳۶۸، ص ۳۱۷.
- ۴- ملک‌زاده، مهدی: تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، ج ۷، چاپ چهارم، انتشارات علمی، تهران، ۱۳۷۳، ج ۱، ص ۱۴۵.



میرزا تقی‌خان، جدای از اهتمام درخصوص حل مسأله‌ی تعدد محاکم شرعی، به منظور جلوگیری از اعمال نظر شخصی حکام ولایات در رسیدگی به امور عرفی و ممانعت از آزار متهمین و مجرمان دستور منع شکنجه را صادر کرد:

«در این اوقات از قرار شکایاتی که مفعول سماع همایون افتاد حکام ولایات مکرر بندگان خدا را خواه به جهت اقرار تقصیری که متهم می‌شوند و خواه محض ابراز جایی که اموالشان پنهان بوده، به شکنجه می‌گذارده‌اند. چنین حرکت منافی مروت و احکام شرع و خلاف رأی اقدس شهرباری است. لهذا قدغن (۷) می‌فرمائیم که به هیچ بهانه متهمین را به شکنجه نگذارند. پس از آنکه تقصیر متهمین ثابت و محقق گردید، به اندازه تقصیرشان گرفتار همان سزای شرعی و عرفی گردند. حکام ولایات مزبور به هیچ وجه کسی را به شکنجه اذیت نرسانند و مراقب باشند که اگر احدی مرتکب چنین عمل گردد مورد مؤاخذه و سیاست خواهد شد. می‌باید حسب المقرر معمول داشته تخلف و تجاوز از مدلول حکم قضا شمول نمایند. تحریراً ۲۵ شهر ربیع الثانی ۱۲۶۶.»

در سال بعد، این فرمان با انتشار در روزنامه وقایع اتفاقیه به‌عنوان مهر تأیید و تأکیدی بر فرمان نخست، به اطلاع مردم رسید:

«بعد از آنکه تخت فیروز بخت سلطنت ایران به جلوس میمنت مأنوس اعلیحضرت شاهنشاهی خلدا... ملکه و دولته، زیب و زینت یافت، از آنجا که مراسم عدالت گستری و رعیت پروری شیمه کریمه ملوکانه است، رسم شکنجه را که در عهود سلاطین ماضیه قیامین حکام و ضباط ولایات معمول و متداول بود، به صرافت طبع مبارک خودشان بکلی موقوف و متروک داشته احکام مطاعه شدیده به افتخار عموم حکام و ضباط ممالک محروسه پادشاهی صادر گردید که بعد از این

فعل شنیع شکنجه را مرتکب نشوند، در این اوقات نیز برای مزید تأکید احکام سابقه اوامر علیه عز نفاذ یافت که هیچ‌یک از حکام به این عمل ارتکاب ننموده، احدی را شکنجه ننمایند.<sup>۱</sup>

امیرکبیر اصرار داشت تا دستورات وی به سرعت و با شدت عمل به اجرا درآید از این رو مأمورین اجرای حکم از ترس «عقوبت امیر» به انواع وسایل در موفقیت آمیز شدن مأموریت خود می‌کوشیدند. مأمورین امیر از گرفتن هرگونه وجهی از مردم نیز شدیداً خودداری می‌کردند چه اینکه می‌دانستند که اگر «امیر بفهمد، شکم آنانرا پاره می‌کند».<sup>۲</sup>

رسیدگی به حقوق اقلیتهای مذهبی یکی دیگر از اقدامات میرزاتقی خان بود. رسیدگی به دعوای حقوقی میان اقلیت‌های مذهبی و مسلمانان را به محکمه عرف واگذار کرد تا از تبعیض و تضییع حقوق آنها جلوگیری به عمل آید.<sup>۳</sup>

از دیگر اقدامات امیرکبیر در امور قضایی، در اختیار گرفتن دعاوی بین اتباع بیگانه که در خدمت دولت قرار داشتند، بود. دعاوی بین تبعه‌ی خارجی و ایرانی نیز در دیوانخانه‌ی عدالت رسیدگی می‌گردید و مترجمی حضور یافته و اظهارات طرف خارجی را ترجمه می‌کرد و سپس به صدور رأی می‌پرداختند. درواقع امیر قضاوت کنسولی را در صورتی که یک طرف دعوی ایرانی بود، قبول نداشت و رسیدگی را در صلاحیت دیوانخانه‌ی عدالت می‌دانست.<sup>۴</sup>

### واژه‌نامه

۱- ارزنه الروم: میرزا تقی خان امیر نظام به منظور رفع اختلافات مرزی بین ایران و عثمانی در شانزدهم جمادی الثانی ۱۲۶۵ هـ.ق عهدنامه دوم ارزنه الروم را در ۹ ماده به امضا رسانید.

۱- روزنامه وقایع اتفاقیه، پنجشنبه چهاردهم شهر ذیحجه الحرام سنه ۱۲۶۷، نمره ۳۲، ص ۱.

۲- درمورد این اقدامات ن، ک، معزی، شیخ المشایخ: همان، صص ۲-۳۲۱.

۳- آدمیت، فریدون: همان، ص ۴۳۹.

۴- استقلال، حسین: همان، ص ۲۷۹.

عهدنامه اول در سال ۱۲۳۷ هـ ق در یک مقدمه و یک خاتمه بین نمایندگان دو دولت به امضا رسیده بود.

۲- تنظیمات: اصلاحات کلی در قوانین عثمانی

۳- جعفرخان مشیرالدوله، میرزا سیدجعفرخان (مهندس باشی - مشیرالدوله) اصلاً فراهانی و پسر میرزا محمدتقی وزیر بود که در تبریز زیر دست میرزا بزرگ فراهانی قائم مقام اول کار می‌کرده است. در سال ۱۲۳۰ هـ ق به دستور فتحعلی شاه به همراه چهار نفر دیگر برای تحصیل عازم اروپا شد. وی به منظور تحصیل شیمی یا طب اعزام شده بود. در سال ۱۲۳۴ هـ ق به ایران بازگشت و به دستور عباس میرزا به تعلیم فنون ریاضی و مهندسی و علم توپخانه در دارالفنون مشغول شد. در سال ۱۲۵۲ هـ ق از طرف محمدشاه به عنوان سفارت مأمور دربار عثمانی شد و تا سال ۱۲۵۹ هـ ق در استامبول بود. در سال ۱۲۷۵ هـ ق که به دستور ناصرالدین شاه دارالشورای دولتی تأسیس گردید به ریاست آن انتخاب شد. در سال ۱۲۷۷ هـ ق با حفظ همین سمت به عنوان سفارت فوق العاده مأمور لندن گردید که پس از یکسال بازگشته و در آخر سال ۱۲۷۸ هـ ق تولیت آستان قدس رضوی شد. این کار دو ماه طور کشید و در ربیع الاول ۱۲۷۹ هـ ق در مشهد درگذشت.

۴- شیخ عبدالحسین طهرانی شیخ العراقین از مجتهدین معروف بود. امیرکبیر او را وصی خویش قرار داد. ناصرالدین شاه در اوایل سلطنتش اقدام به تعمیرات در عتبات عالیات نمود که این عمل زیر نظر شیخ عبدالحسین طهرانی انجام گرفت. وی در ایران و عثمانی از احترام زیادی برخوردار بود و در سال ۱۲۶۸ هـ ق در کربلا درگذشت.

۵- میرزا ابوالقاسم امام جمعه پسر میرمحسن در سال ۱۲۶۳ هـ ق امام جمعه تهران شد و در سال ۱۲۷۰ هـ ق در تهران درگذشت. وی در عصر خویش مرد بانفوذی بود. میرزا ابوالقاسم امام جمعه تهران از یک طرف از امپراطور روس هدایای قیمتی می‌پذیرفت و از طرف دیگر به پالمستون (Palmerston) وزیر خارجه انگلیس نامه اراذتمندانه می‌نوشت.

۶- خاتمه: مهر و انگشتری نگین کنده که با آنها کاغذ و غیره را مهر کنند.

۷- قدغن: تأکید، اجبار

### کتابنامه

- ۱- آدمیت، فریدون: *امیرکبیر و ایران*، چاپ هفتم، انتشارات خوارزمی، تهران، ۱۳۶۳.
- ۲- آل ناوود، سید علی: *اسناد و نامه‌های امیرکبیر*، چاپ اول، سازمان اسناد ملی ایران، تهران، ۱۳۷۹.
- ۳- اجلالی، فرزام: *بنیان حکومت قاجار*، چاپ اول، نشر نی، تهران، ۱۳۷۳.
- ۴- استقلال، حسین: *چهل سال در دادگستری*، چاپ اول، چاپخانه موسوی، شیراز، ۱۳۵۲.
- ۵- اعتماد السلطنه، محمدحسن خان: *مرآة البلدان*، با تصحیحات و حواشی و فهرس، به کوشش عبدالحسین نوایی و میرهاشم محدث، ۴ ج، چاپ اول، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۶۷.
- ۶- اقبال، عباس: *میرزا تقی خان امیرکبیر*، به کوشش ایرج افشار، چاپ اول، انتشارات توس، تهران، ۱۳۴۰.
- ۷- یولاک، یاکوب ادوارد: *ایران و ایرانیان (سفرنامه)*، ترجمه کیکاوس جهانداری، چاپ دوم، انتشارات خوارزمی، تهران، ۱۳۶۸.
- ۸- خان محمدی، علی اکبر: *نظری به گزارش‌های صندوق عدالت در عهد ناصری*، فصلنامه گنجینه اسناد، سال هفتم، دفتر سوم و چهارم، پاییز و زمستان ۱۳۷۶.
- ۹- شمیم، علی اصغر: *ایران در دوره سلطنت قاجار*، چاپ سوم، انتشارات مدبر، تهران، ۱۳۷۸.
- ۱۰- معزی، شیخ المشایخ امیر: *رساله نوادر الامیر*، ضمیمه نامه‌های امیرکبیر، به کوشش سیدعلی آل داوود، چاپ اول، نشر تاریخ ایران، تهران، ۱۳۷۳.
- ۱۱- هدایت رضا قلی خان: *تاریخ روضه الصفای ناصری*، به تصحیح و تحشیه جمشید کیان فر، ۱۵ ج، چاپ اول، انتشارات اساطیر، تهران، ۱۳۸۰.

### روزنامه ها

- ۱- روزنامه وقایع اتفاقیه: پنجشنبه هفتم شهر ذی القعدة الحرام سنه ۱۲۶۷ هق، نمره ۳۱.
- ۲- روزنامه وقایع اتفاقیه: پنجشنبه چهاردهم شهر ذی القعدة الحرام سنه ۱۲۶۷ هق، نمره ۳۲.
- ۳- روزنامه وقایع اتفاقیه: پنجشنبه سلخ شهر محرم الحرام، سنه ۱۲۷۵ هق، نمره ۹۷۳.